

تدوین الگوی تصمیمات مالی و سواد مالی کارآمد برای بهبود مدیریت هزینه‌ها در صنعت کفش و چرم استان آذربایجان شرقی

نوع مقاله: پژوهشی

کیوان ولی پوریان محجوبی^۱

ناصر فقهی فرهمند^۲

سلیمان ایران زاده^۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۵/۷

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۲/۱۹

چکیده

هدف این پژوهش تدوین الگوی تصمیمات مالی و سواد مالی کارآمد برای بهبود مدیریت هزینه‌ها در صنعت کفش و چرم استان آذربایجان شرقی می‌باشد. این تحقیق از لحاظ هدف کاربردی بوده و از نظر ماهیت انجام از نوع کیفی بود که از روش مصاحبه و داده‌بنیاد بهره گرفته شد. جامعه آماری تحقیق شامل اساتید دانشگاهی متخصص در زمینه مدیریت و حسابداری استان آذربایجان شرقی را شامل شد. با توجه به اصول روش‌های کیفی، ۲۰ نفر از خبرگان جهت مصاحبه تحقیق انتخاب شدند. به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار MAXQDA بهره گرفته شد. بر اساس نتایج تحقیق جمماً ۹۴ زیر مقوله در ۳۰ کد و در نهایت ۵ مقوله اصلی (کارآمدی تصمیمات مالی، کارآمدی سواد مالی، کنترل و کاهش هزینه‌ها، راهبردهای مؤثر، پیامدهای مدیریت هزینه) تعیین شدند. بر اساس روش مصاحبه استخراج شد.

کلید واژه‌ها: تصمیمات مالی، سواد مالی کارآمد، مدیریت هزینه‌ها، صنعت کفش و چرم

طبقه بندی JEL: G41,G39,G31

۱ دانشجوی دکتری مدیریت واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران
kvalipour20@gmail.com

۲ دانشیار، گروه مدیریت، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران (نویسنده مسئول)
farahmand@iaut.ac.ir
iranzadeh@iaut.ac.ir

۳ استاد، گروه مدیریت، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران،

مقدمه

مدیریت هزینه یکی از جنبه‌های قابل توجه محققین در حوزه مدیریت است. هزینه در واقع یکی از پارامترهای تعیین موفقیت به جز کیفیت و زمان است و یکی از حوزه‌های دانش در مدیریت پروژه است. با این وجود، شواهد زیادی مبنی بر عملکرد ضعیف مدیریت هزینه در سطح صنعت وجود دارد که عمدتاً با افزایش هزینه‌ها نشان داده‌می‌شود (اوکرک ۱ و همکاران، ۲۰۲۲) و این مسئله منجر به زیان و سایر مشکلات مرتبط با جریان نقدی ضعیف در نتیجه مدیریت هزینه ضعیف می‌شود. عدم توجه به این چالش، بدان معناست که صنعت کارابی، کیفیت و دقت مدیریت هزینه را نمی‌تواند در فریند مالی خود قرار دهد و سبب آن می‌شود که رویکردهای ضعیف مدیریت هزینه زمینه عملکرد ضعیف صنعت را در پی داشته باشد (تمیو ۲ و همکاران، ۲۰۲۲).

مدیریت هزینه‌ها امروزه یکی از راهبردی‌ترین زمینه‌های نیل به موفقیت مالی و عملکرد سازمانی شرکت‌ها در بازار رقابتی می‌باشد. چرا که به‌واسطه مدیریت هزینه‌ها، نه تنها به صورت علمی می‌توان به تخصیص دقیق هزینه‌ها به فعالیت‌های مثمر پرداخت، بلکه به‌واسطه مدیریت هزینه‌ها، به انتخاب بهترین مسیر و استراتژی درآمدهای برای شرکت می‌توان دست یافت. در مدیریت هزینه‌ها، اندازه گیری بهای تمام شده منابعی که در راه انجام فعالیت‌های اصلی، تشخیص و حذف اقلامی از هزینه که ارزش افزوده ایجاد نمی‌کنند، تعیین کارابی و اثربخشی فعالیت‌های اصلی انجام شده در واحدهای اقتصادی، تشخیص و ارزیابی فعالیت‌های جدیدی که می‌توان عملکرد آینده سازمان را بهبود بخشد در راستای بهبود عملکرد مد نظر می‌باشند (کمالی، ۱۳۹۷).

امروزه درک مفاهیم و مهارت‌های مرتبط با سواد مالی به سبب اینکه مصرف کننده را برای بقاء در جامعه مدرن و مقاومت در برابر تنوع و پیچیدگی محصولات و خدمات مالی موجود، توانا می‌سازد، ضروری شده‌است (استار و همکاران، ۲۰۲۰). سرمایه‌گذاری امروزه به یک زمینه پویا و پر چالش تبدیل شده‌است. یک تصمیم مالی موفق به میزان زیادی به سطح سواد و اطلاعات و سواد مالی فرد بستگی دارد. از نظر تجربی، لین و بیتس^۳ (۲۰۲۲) دریافتند که وجود سواد مالی حتماً به دلیل آموزش رسمی اقتصادی نیست، به این معنی که سواد مالی ممکن است حداقل تا حدی، یک توانایی شناختی واقعی باشد، یعنی صرفاً نتیجه مرتبط با تحصیلات امور مالی نباشد. از سوی دیگر نیز کالیس^۴ و همکاران (۲۰۲۳) این گونه تفسیر کردند که نشان می‌دهد سواد مالی ممکن است با

^۱ Okereke

^۲ Tembo

^۳ Lin and Bates

^۴ Callis

دانش جامع و دانش مالی همسو باشد. مطالعات نشان می‌دهد که مدیریت دانش به‌طور غیرمستقیم با سواد مالی مرتبط است (اوترو ۱ و همکاران، ۲۰۲۲). لذا اعتبار نبخشیدن به این موضوع مانع از بهبود عملکرد مالی شرکت‌ها در راستای کنترل هزینه‌ها خواهد بود (گیگناس و استوینز، ۲۰۲۴). افراد و مؤسسات دارای سواد مالی این قابلیت و توانایی و نیز اعتماد به نفس را دارند تا به واسطه اتخاذ تصمیمات مطلوب و نیز برنامه ریزی بلند مدت در راستای امور مالی، موضوعات مالی شخصی خود را مدیریت نمایند که این امر بدون در نظر داشتن رویدادها و تغییر شرایط اقتصادی امکان‌پذیر نمی‌باشد (کریستلز ۳ و همکاران، ۲۰۱۹). دارا بودن مهارت‌های مرتبط با سواد مالی افراد را قادر می‌سازد تا تصمیمات آگاهانه در مورد سرمایه مالی خود اتخاذ نموده و میزان احتمال هرگونه سوء مدیریت مالی و نیز پیامدهای منفی مرتبط با آن را به حداقل رساند (دوب و سینگ، ۴). (۲۰۱۶).

از جمله مسائلی که اهمیت بحث تصمیمات مالی را نشان می‌دهد. این است که، تصمیم مدیر می‌تواند عملکرد و رفتار کارکنان را به سمتی هدایت کند که با اهداف سازمان مطابقت داشته باشد؛ چرا که تصمیمات مدیر، بیان گر اهداف سازمان و منعکس کننده است. بنابراین تصمیم گیری مدیر، به کارکنان کمک می‌کند تا این اهداف را بهتر دریابند. همچنین تصمیمات مدیر، رفتار عالی و نوع عملکردی را که از افراد در مشاغل مختلف سازمانی انتظار می‌رود، معین می‌کند. توانایی قضاوت آگاهانه و تصمیم گیری مؤثر در استفاده از متابع پولی و مدیریت آن سواد مالی گفته می‌شود (یعقوب نژاد و همکاران، ۱۳۹۰). مجموعه دانش درک امور مالی است که شامل بررسی پدیده‌های مالی، ماهیت، قوانین و روابط حاکم بر آن می‌باشد. عدم درک اقتصاد و امور مالی، یک عامل بازدارنده برای مالکیت سهام است، از دست رفتن رفاه، ناشی از عدم مشارکت در بازارهای سرمایه، در اثر فقدان سواد مالی بسیار قابل توجه است. واضح است که سرمایه‌گذاران ناآگاه و فاقد سواد مالی کافی، قادر به استفاده کامل از بازار مالی و انتخاب عاقلانه، که منجر به سرمایه‌گذاری کارآمد خواهد شد، نخواهند بود (ون روز و لوساردی، ۵، ۲۰۱۱).

مطالعات بیان شده مؤید مطالب بیان شده‌است؛ طوطیان و همکاران (۱۴۰۰) به بررسی رابط، بین راهبردهای خود کنترلی، سواد مالی مدیران و کیفیت تصمیم گیری در مسائل مالی فرایند زنجیره تأمین شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند و نتیجه گرفتند که

^۱ Otero

^۲ Gignac and Stevens

^۳ Christelis

^۴ Deb and Singh

^۵ VanRooij & Lusardi

بین راهبردهای خودکنترلی، راهبردهای سواد مالی مدیران (مدیریت پول و پس انداز، مدیریت تأمین مالی و اعتباری و برنامه ریزی سرمایه‌گذاری) و کیفیت تصمیم گیری در مسائل مالی فرایند زنجیره تأمین شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران ارتباط آماری معناداری وجود دارد. اسلامی مفید آبادی و همکاران^۱ (۱۳۹۹) در طراحی و تبیین الگوی تصمیم‌های مالی مشارکت کنندگان خرد و کلان نظام مالی در راستای توسعه بازارهای مالی ایران پرداختند. رحمانی نوروزآباد (۱۳۹۸) به بررسی پیامدهای سواد مالی بر تصمیمات سرمایه‌گذاران و عملکرد سرمایه‌گذاری پرداخته و نتیجه گرفت که تأثیر نگرش مالی و رفتار مالی بر تصمیمات سرمایه‌گذاران مثبت و معنادار است. همچنین تصمیمات سرمایه‌گذاران تأثیر مثبت و معناداری بر عملکرد سرمایه‌گذاری دارد. کائو و همکاران^۲ (۲۰۲۱)، در پژوهشی با عنوان بررسی عوامل رفتاری بر تصمیم گیری سرمایه‌گذاران فردی و عملکرد سرمایه‌گذاری در بازار سهام و بتنماینت تأثیر مثبت دارد. همچنین، عوامل انداز، بازار و رفتارگله ای بر تصمیم گیری سرمایه‌گذاری تأثیر معنادار مثبت دارد. همچنین، عوامل فوق تأثیر مستقیم (مثبت) بر عملکرد سرمایه‌گذاری دارد؛ به ویژه، عامل چشم‌انداز قوی‌ترین تأثیر را بر تصمیم گیری سرمایه‌گذاران و عملکرد سرمایه‌گذاری دارد. یافته‌های اصلی این پژوهش گویای نقش مهم رفتار اکتشافی، چشم‌انداز، بازار و رفتارگله ای بر تصمیم گیری سرمایه‌گذاران و عملکرد سرمایه‌گذاری است. ستار و همکاران^۳ (۲۰۲۰)، در پژوهشی تحت عنوان تأثیر سوگیری‌های مالی رفتاری در تصمیم گیری سرمایه‌گذاری نتیجه گرفتند که سوگیری‌های رفتاری بر تصمیم‌های سرمایه‌گذاری تأثیر معناداری دارد. همچنین، نتایج تجربی این پژوهش بیانگر تأثیرگذاری بیشتر رفتارهای اکتشافی نسبت به چشم‌اندازها و ویژگی‌های شخصیتی بر تصمیم گیری سرمایه‌گذاری است. اریکات و همکاران^۴ (۲۰۱۹)، در پژوهشی با عنوان تأثیر مالی رفتاری بر تصمیم‌های سرمایه‌گذاری سرمایه‌گذاران حقیقی در بورس عمان نتیجه گرفتند که عوامل مالی رفتاری شامل زیان گریزی، اطمینان بیش از حد و رفتار گله‌ای بر تصمیم‌های سرمایه‌گذاری در افراد تأثیر معناداری دارد.

از دیدگاه فونسیکا^۵ و همکاران^۶ (۲۰۱۲) تصمیمات مالی نسبت به سطح تحصیلات زنان و مردان در حال پیشرفت دارای حساسیت است و به‌شکل مثبتی بر روی پیشرفت و توسعه تأثیر می‌گذارد. بدین ترتیب ارزش و اهمیت اطلاعات مشخص می‌گردد. یعنی اگر به مدیر اطلاعات غلط و نامربوط داده شود، تصمیمات او به‌طور قطع دارای اشتباه خواهد بود. ولی اگر به مدیر اطلاعات صحیح و

^۱ . Cao et al.

^۲ . Sattar et al.

^۳ . Areiqat et al.

^۴ Fonseca

مریبوط داده شود، تصمیمات او به طور قطعی نه، ولی به احتمال زیاد دارای صحت و تناسب لازم برای سازمان، خواهد بود، البته به شرط آنکه توان تصمیم‌گیری و به کارگیری اطلاعات در مدیر وجود داشته باشد. اطلاعات درون هر سیستم در هر لحظه از زمان دارای ساختی است که دانش و آگاهی آن سیستم را تشکیل می‌دهد. بنابراین با توجه به مطالب گفته شده، مسئله اصلی در پژوهش حاضر این است که الگوی تصمیمات مالی و سواد مالی کارآمد برای بهبود مدیریت هزینه‌ها در صنعت به چه صورت خواهد بود؟

۱- روش تحقیق

این تحقیق از لحاظ هدف کاربردی بوده و از نظر ماهیت انجام از نوع کیفی بود که از روش مصاحبه و داده‌بنیاد بهره گرفته شد. جامعه آماری تحقیق شامل اساتید دانشگاهی متخصص در زمینه مدیریت و حسابداری استان آذربایجان شرقی را شامل شد. با توجه به اصول روش‌های کیفی، ۲۰ نفر از خبرگان جهت مصاحبه تحقیق انتخاب شدند. به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار MAXQDA بهره گرفته شد. تجزیه و تحلیل روش گراند تئوری در این تحقیق توسط نرم‌افزار MAXQDA انجام خواهد شد. برای تجزیه و تحلیل داده‌های به دست آمده از سه نوع کدگذاری استفاده خواهد شد که عبارتند از: کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری انتخابی.

در کدگذاری باز، ابتدا محتوای کلیه مصاحبه‌ها پیاده سازی و سپس کدگذاری باز آنها به روش کدگذاری نکات کلیدی انجام خواهد شد. بدین ترتیب که داده‌ها جمع آوری شده در مصاحبه‌ها در فایل WORD مکتوب شده و سپس توسط نرم‌افزار MAXQDA تجزیه و تحلیل نوشه‌های موجود، کدهای باز ایجاد می‌گردند. کدگذاری باز خود شامل سه مرحله است:

کدگذاری باز مرحله اول، کدگذاری مرحله دوم، کدگذاری مرحله سوم

در کدگذاری باز مرحله اول: کدها شناسایی می‌شوند.

در کدگذاری باز مرحله دوم: برای هر کد توضیحی ارائه می‌شود.

در کدگذاری باز مرحله سوم: کدهای مرحله دوم به یکدیگر نزدیک هستند با هم ادغام شده و تشکیل یک کد با عنوانی کوتاه می‌دهند (مارکی و همکاران، ۲۰۲۰).

کدگذاری محوری مرحله دوم تجزیه و تحلیل در روش داده‌بنیاد است. هدف از این مرحله برقراری رابطه بین طبقات تولید شده در مرحله کدگذاری باز است. این عمل بر اساس مدل پارادایم انجام می‌شود و به نظریه‌پرداز کمک می‌کند تا فرآیند ایجاد نظریه را به سهولت انجام دهد. در

کدگذاری محوری، کدهای تولید شده در گام قبلی، توسط ایجاد شبکه‌های ارتباطی میان این کدها به یکدیگر مرتبط می‌شوند. این فرایند توسط تجزیه و تحلیل داده‌های به دست آمده از کدگذاری باز به دست می‌آید. بنابراین هدف از کدگذاری محوری، مرتب سازی رابطه میان هر مفهوم است (سون ۱، ۲۰۱۱). هنگام برقراری اتصالات در شبکه، لازم است بررسی شود که این مقوله‌ها به چه صورت با یکدیگر در ارتباط هستند. این مرحله توسط تشکیل شبکه‌ها جهت ایجاد ارتباطات بین مفاهیم، مقوله‌ها و مولفه‌ها انجام خواهد شد.

کدگذاری انتخابی فرآیند یکپارچه سازی و بهبود مقوله هاست. نکته‌ای که در این مرحله از پژوهش باید مورد نظر قرار گیرد این است که در صورتی که هدف از پژوهش، تئوری سازی باشد، یافته‌ها در غالب مفاهیمی بهم مرتبط و نه صرفاً لیستی از موضوع‌ها ارائه شوند. ذکر این نکته ضروری است که همواره بیش از یک راه برای نشان دادن روابط وجود دارد. برای رسیدن به یکپارچگی مورد نظر لازم است پژوهشگر خط اصلی موضوع را تنظیم و با تعهد به آن شرح خط اصلی داستان بپردازد. در کدگذاری انتخابی، محقق یک اصل را کشف می‌کند و به طور منظم یک دسته اصلی را با دیگر دسته‌ها مرتبط می‌کند.

دسته اصلی باید ویژگی‌های زیر را داشته باشد: اول توسط کدهایی که در مرحله کدگذاری محوری مرکزیت بیشتری دارند به دست آید، دوم باید بیشترین فراوانی را در فرآیند کدگذاری نشان دهد، سوم همه ارتباطات با مقوله‌ها باید به طور خود جوش انجام شود (زانگ و ما، ۲۰۰۹).

۲- یافته‌های تحقیق

جامعه آماری پژوهش در بخش کیفی شامل اساتید دانشگاهی متخصص در زمینه مدیریت و حسابداری و مدیران و متخصصان صنعت کفش و چرم استان آذربایجان شرقی آگاه به موضوع پژوهش بودند و بر حسب انتخاب هدفمند تعداد ۲۰ نفر از این افراد به عنوان نمونه پژوهش مشخص گردیدند. اشباع داده یا اشباع نظری رویکردی است که در پژوهش‌های کیفی برای تعیین کفايت نمونه گیری مورد استفاده قرار می‌گیرد. جداول شماره ۱ ویژگی نمونه‌های پژوهش حاضر در بخش کیفی را به نمایش گذاشته است:

جدول ۱: ویژگی نمونه‌های پژوهش در بخش کیفی

نمونه	جنسيت	تحصيلات	نوع خبرگي
-------	-------	---------	-----------

۱ Sun

۲ Zhang & Ma

۱	مرد	دکتری	هیئت‌علمی
۲	مرد	دکتری	هیئت‌علمی
۳	زن	دکتری	هیئت‌علمی
۴	مرد	دانشجوی دکتری	اساتید تدریس
۵	مرد	دکتری	هیئت‌علمی
۶	مرد	کارشناسی ارشد	خبره صنعت کفش
۷	زن	دکتری	هیئت‌علمی
۸	مرد	کارشناسی ارشد	خبره صنعت کفش
۹	مرد	کارشناسی	خبره صنعت کفش
۱۰	مرد	کارشناسی ارشد	خبره صنعت کفش
۱۱	مرد	دکتری	هیئت‌علمی
۱۲	مرد	دکتری	هیئت‌علمی
۱۳	زن	دکتری	هیئت‌علمی
۱۴	مرد	دانشجوی دکتری	خبره صنعت کفش
۱۵	مرد	دکتری	هیئت‌علمی
۱۶	زن	کارشناسی ارشد	خبره صنعت کفش
۱۷	زن	دکتری	هیئت‌علمی
۱۸	مرد	کارشناسی ارشد	خبره صنعت کفش
۱۹	مرد	کارشناسی	خبره صنعت کفش
۲۰	مرد	کارشناسی ارشد	خبره صنعت کفش

منبع: یافته‌های تحقیق

نتایج پژوهش حاضر نشان داد ۷۵ درصد نمونه‌های پژوهش مردان و ۲۵ درصد نمونه‌های پژوهش را زنان تشکیل دادند. نتایج پژوهش حاضر همچنین نشان داد ۶۰ درصد نمونه‌های پژوهش دارای مدرک دانشجویی و دکتری بودند. همچنین ۵۵ درصد نمونه‌های پژوهش عضو هیئت‌علمی دانشگاه و ۴۵ درصد نمونه‌های پژوهش خبره صنعت کفش بودند.

پژوهش حاضر در بخش کیفی، مصاحبه نیمه ساختاری یافته است. جهت بررسی روایی و اعتبارپذیری سؤالات مصاحبه‌ها به تأیید برخی اساتید آگاه به موضوع پژوهش و همچنین آگاه به روش پژوهش رسید تا میزان موثق بودن داده‌های پژوهش مورد تأیید قرار گیرد. همچنین جهت

بررسی انتقال‌پذیری، یافته‌های پژوهشی توسط دو متخصص در حیطه مورد نظر که در پژوهش مشارکت نداشتند، مورد بررسی قرار گرفت. همچنین جهت اطمینان‌پذیر جزئیات پژوهش و یادداشت‌برداری‌ها ثبت و ضبط شد.

از طرفی جهت بررسی معتبر بودن نیز تمامی متنون ایجاد شده از مصاحبه‌ها و کدهای استخراج شده به مشارکت کنندگان پژوهش ارسال شد تا آنان دوباره متنون و کدهای استخراج شده را مورد تأیید قرار دهند. در بخش ممیزی بیرونی یافته‌ها و پارادایم کدگذاری به سه نفر از اساتید حوزه مدیریت و حسابداری جهت اظهارنظر ارائه و تأییدیه آنها اخذ گردید. برای محاسبه پایایی بازآزمون از میان مصاحبه‌های انجام گرفته چند مصاحبه به عنوان نمونه انتخاب می‌شوند و هر کدام از آنها در یک فاصله زمانی کوتاه و مشخص دوباره کدگذاری می‌شوند. سپس کدهای مشخص شده در دو فاصله زمانی برای هر کدام از مصاحبه‌ها با هم مقایسه می‌شوند و از طریق میزان توافقات و عدم توافقات موجود در دو مرحله کدگذاری، شاخص ثبات برای آن پژوهش محاسبه می‌گردد. در هر کدام از مصاحبه‌ها، کدهایی که در دو فاصله زمانی با هم مشابه هستند با عنوان توافق و کدهای غیرمشابه با عنوان عدم توافق مشخص می‌شوند. شاخص پیشنهادی زیر را برای محاسبه پایایی بازآزمون بین کدگذاری‌های پژوهشگر در دو فاصله زمانی پیشنهاد داده است. جهت بررسی دقت کدگذاری انجام شده از روش کدگذاری بی طرف استفاده شد. در این روش از یک نفر که سابقه ذهنی از موضوع پژوهش ندارد خواسته می‌شود که متن مصاحبه‌ها را بررسی و کدگذاری مجدد نماید. بدین منظور متن پیاده سازی شده مصاحبه‌ها در هر مرحله به یک دکتری خارج از پژوهش ارائه گردید. از وی درخواست شد تا آنها را بر اساس ادراک خود کدگذاری نماید. در پایان بهمنظور بررسی توافق بین دو کدگذاری، با استفاده از نرم‌افزار SPSS ضریب کاپا محاسبه گردید که نتایج آن در جدول ۲ ارائه گردیده است. اگر این ضریب در شرایط معناداری بالاتر از 0.60 باشد خوب و اگر بیش از 0.75 باشد بیانگر توافق عالی میان کدگذاران است. نتایج جدول زیر نشانگر این است که کیفیت کدگذاری انجام شده در این پژوهش از دقت بسیار مطلوبی برخوردار است.

جدول ۲: شاخص کاپا پژوهش

ضریب کاپا	اضطراب از استاندارد	مقادیر معنی‌داری
۰.۷۸۵	۰.۰۵۹	۰.۰۰۰

منع: یافته‌های تحقیق

جهت بررسی روایی از قابلیت باورپذیری (اعتبار)، انتقالپذیری و تأییدپذیری استفاده گردید. بدین منظور محقق جهت بررسی قابلیت باورپذیری از تأیید فرایند پژوهش توسط هشت متخصص و همچنین استفاده از دو کدگذار جهت کدگذاری چند نمونه مصاحبه جهت کسب اطمینان از یکسانی دیدگاه کدگذاران استفاده گردید. همچنین جهت بررسی انتقالپذیری از نظرات سه متخصص که در پژوهش مشارکت نداشتند، استفاده شد. همچنین جهت بررسی قابلیت تأییدپذیری از ثبت و ضبط تمامی مصاحبه‌ها و بررسی آنان در زمان‌های مورد نیاز استفاده گردید. روش آماری مورد استفاده در پژوهش حاضر شامل روش کدگذاری بود. کدگذاری انجام شده در این پژوهش در سه بخش کدگذاری باز، محوری و انتخابی انجام گردید. بهمنظور تصمیمات مالی و سواد مالی کارآمد برای بهبود مدیریت هزینه‌ها در صنعت کفش و چرم از بررسی نظرات در قالب روش کیفی استفاده گردید.

در این تحقیق از روش مصاحبه جهت جمع‌آوری داده بهره گرفته شده است. مصاحبه‌ها توسط محقق به شیوه فرد به فرد و بهصورت حضوری، در مدت ۳۰ دقیقه انجام شد. سؤالات در طی یک مصاحبه نیمه ساختاریافته مطرح شدند و افراد شرکت کننده به آنها پاسخ دادند. عبارات و نظرات مصاحبه شونده توسط دستگاه ضبطصوت، ضبط شد و پس از اتمام جلسه مصاحبه، لفظ به لفظ متن مصاحبه پیاده شد. در این پژوهش بهمنظور رعایت نکات اخلاقی قبل از شروع مصاحبه، فرد شرکت کننده از هدف انجام طرح و مصاحبه آگاه شد اطلاعات بهدست آمده در مصاحبه بدون ذکر نام شرکت کنندگان استفاده شده است و به شرکت کنندگان اطمینان داده شد که گفته‌های ایشان محترمانه خواهد بود مصاحبه کننده از گفته‌های افراد شرکت کننده در مصاحبه‌ها بهطور دقیق و بدون هرگونه دخل و تصرف در صحبت‌های افراد استفاده کرده است. از آنجاکه روش جمع‌آوری داده‌ها در این تحقیق روش مصاحبه عمیق بود، سعی شد که مصاحبه‌ها با دقت و بدون سوگیری انجام شود تا به میزان کافی مطالب در مورد سؤالات پرسیده شود، بهصورتی که اگر محقق دیگری در همان وضع یا وضع مشابه فرایند را تکرار کند به همان پاسخ‌ها یا پاسخ‌های مشابه دست یابد به عبارتی می‌توان گفت شیوه اصلی حفظ روایی و پایابی داده‌ها در این پژوهش، ثبت مصاحبه‌ها و تأیید توصیف‌های نهایی توسط متخصصین بود.

جدول ۳: مشخص کردن مقوله‌های اصلی و کدها

کدها	مقوله‌های اصلی
اتکا بهصورت و گزارشات مالی داشتن اطلاعات بهروز بازار صنعت	

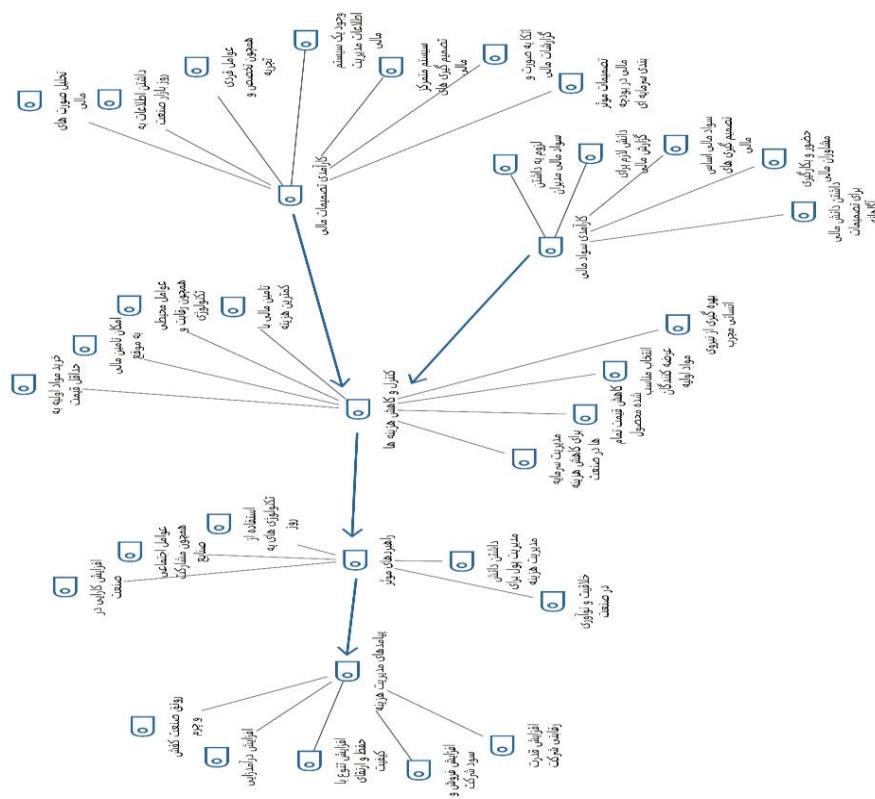
عوامل فردی همچون تخصص و تجربه وجود یک سیستم اطلاعات مدیریت مالی تحلیل صورت‌های مالی سیستم متمرکر تصمیم گیری‌های مالی تصمیمات مؤثر مالی در بودجه بندی سرمایه‌ای	کارآمدی تصمیمات مالی
لزوم به داشتن سواد مالی مدیران دانش لازم برای گزارش مالی سواد مالی اساس تصمیم گیری‌های مالی داشتن سواد مالی برای تصمیمات آگاهانه حضور و به کارگیری مشاوران مالی	کارآمدی سواد مالی
خرید مواد اولیه به حداقل قیمت امکان تأمین مالی به موقع عوامل محیطی همچون رقابت و تکنولوژی بهره گیری از نیروی انسانی مجرب تأمین مالی با کمترین هزینه انتخاب مناسب عرضه کنندگان مواد اولیه کاهش قیمت تمام شده محصول مدیریت سرمایه برای کاهش هزینه‌ها در صنعت	کنترل و کاهش هزینه‌ها
افزایش کارایی در صنعت عوامل اجتماعی همچون مشارکت صنایع داشتن دانش مدیریت پول برای مدیریت هزینه خلاقیت و نوآوری در صنعت استفاده از تکنولوژی‌های به روز	راهبردهای مؤثر
افزایش فروش و سود شرکت افزایش قدرت رقابتی شرکت رونق صنعت کفش و چرم افزایش درآمدزایی افزایش تنوع با حفظ و ارتقای کیفیت	پیامدهای مدیریت هزینه

منبع: یافته‌های تحقیق

۳- الگوی مفهومی تحقیق

هزینه یکی از اساسی‌ترین و مهم‌ترین مفاهیم در هر کسب‌وکار است. مفهوم هزینه نیز از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. در حسابداری هزینه عبارت است از مجموع مخارج اقتصادی که برای کسب

درآمد بیشتر به یک تجارت وارد می‌شود. بدینمنظور هر کسبوکار و تجارتی به دنبال کنترل و در نهایت کاهش هزینه‌ها برای بهبود عملکرد خود خواهد بود. در واقع برای افزایش سود کسبوکار باید کاهش هزینه‌ها بدون کاهش میزان درآمد باشد. هزینه‌ها شاخصی بسیار مهم و اساسی در پیشبرد اهداف کسبوکار محسوب می‌شوند بنابراین برای این بخش مهم از حسابداری قوانین ویژه‌ای مطرح شده است. هزینه بسته به زمینه‌ی کاربرد آن، دارای معانی گوناگون و تعاریف مختلف است. در سیستم اطلاعات حسابداری، هزینه به طور کلی به‌شکل جریان خروج وجه نقد در گذشته یا تعهد پرداخت آن در آینده و یا انقضای ارزش و مصرف دارایی‌ها، تبلور می‌یابد. ایجاد و نگهداری یک فرهنگ هزینه یابی با عملکرد مطلوب در هر سازمان نیاز به فرایند، تلفیق و نظام بخشنده به ابتکارات و اقدامات انجام شده در این زمینه (ایجاد یک سیستم هزینه یابی مطلوب) با خروجی مناسب و بهره برداری بهینه از انرژی کارکنان در هر سطح سازمان دارد و این فعالیت‌ها تنها باید در راستای فعالیت‌های عملیاتی شرکت باشد. مدیریت هزینه رویکردی سیستماتیک و ساختارمند برای درک هزینه‌های یک سازمان، با هدف فراهم کردن چارچوبی کلی برای کنترل، کاهش و یا حذف هزینه‌ها می‌باشد. همچنین می‌توان گفت مدیریت هزینه سیستمی است که از تصمیمات مدیریت پشتیبانی نموده و با به کار بردن اطلاعات در مورد هزینه به توسعه و شناسایی استراتژی‌های برتر که مزیت رقابتی را فراهم می‌کند، کمک می‌نماید. نکته مهم اینکه مدیریت هزینه باید بیش از اینکه کانون توجه خود را معطوف آمار و ارقام کند به اولویت بندی فعالیت‌ها و کاری که سازمان در برابر نیازهای عملیاتی و استراتژیک خود باید انجام دهد بپردازد. لذا الگوی تصمیمات مالی و سواد مالی کارآمد برای بهبود مدیریت هزینه‌ها در صنعت کفش و چرم به صورت زیر قابل تبیین است:



مدل ۱: الگوی تصمیمات مالی و سود مالی کارآمد برای بهبود مدیریت هزینه‌ها در صنعت

منبع: نتایج تحقیق

مطابق با مدل استخراجی که به تدوین الگوی تصمیمات مالی و سود مالی کارآمد برای بهبود مدیریت هزینه‌ها در صنعت کفشه و چرم پرداخته شده است:

- کارآمدی تصمیمات مالی شامل:

۱. اتکا به صورت و گزارشات مالی
۲. داشتن اطلاعات به روز بازار صنعت
۳. عوامل فردی همچون تخصص و تجربه
۴. وجود یک سیستم اطلاعات مدیریت مالی
۵. تحلیل صورت‌های مالی
۶. سیستم متمرکز تصمیم‌گیری‌های مالی

۷. تصمیمات مؤثر مالی در بودجه بندي سرمایه‌ای
• کارآمدی سواد مالی شامل:
۱. لزوم به داشتن سواد مالی مدیران
 ۲. دانش لازم برای گزارش مالی
 ۳. سواد مالی اساس تصمیم‌گیری‌های مالی
 ۴. داشتن سواد مالی برای تصمیمات آگاهانه
 ۵. حضور و به کارگیری مشاوران مالی
 ۶. کنترل و کاهش هزینه‌ها شامل:
 ۷. خرید مواد اولیه به حداقل قیمت
 ۸. امکان تأمین مالی به موقع
 ۹. عوامل محیطی همچون رقابت و تکنولوژی
 ۱۰. بهره گیری از نیروی انسانی مجرب
 ۱۱. تأمین مالی با کمترین هزینه
 ۱۲. انتخاب مناسب عرضه کنندگان مواد اولیه
 ۱۳. کاهش قیمت تمام شده محصول مدیریت سرمایه برای کاهش هزینه‌ها در صنعت
- راهبردهای موثر شامل:
۱. افزایش کارایی در صنعت
 ۲. عوامل اجتماعی همچون مشارکت صنایع
 ۳. داشتن دانش مدیریت پول برای مدیریت هزینه
 ۴. خلاقیت و نوآوری در صنعت
 ۵. استفاده از تکنولوژی‌های به روز
- پیامدهای مدیریت هزینه شامل:
۱. افزایش فروش و سود شرکت
 ۲. افزایش قدرت رقابتی شرکت
 ۳. رونق صنعت کفش و چرم
 ۴. افزایش درآمدزایی
 ۵. افزایش تنوع با حفظ و ارتقای کیفیت

۴-بحث و نتیجه‌گیری

هدف اصلی در مؤسسات تولیدی و صنعتی اتخاذ تصمیمات صحیح در راستای بهبود بهره‌وری (افزایش سود با ثابت نگهداشتن هزینه) است. یکی از مهم‌ترین اقدامات در این راستا، شناسایی و مدیریت هزینه‌ها است. در واقع مدیریت هزینه در حسابداری، تصمیم گیرندگان را قادر می‌سازد تا در کمترین زمان بر اساس ماهیت هزینه، تصمیمات لازم را اخذ و اقدامات ضروری را انجام دهند که این موضوع نیازمند تصمیمات مالی و سواد مالی کارآمد است. بر این اساس نتایج نشان داد که مطابق با الگوی تصمیمات مالی و سواد مالی کارآمد برای بهبود مدیریت هزینه‌ها در صنعت کفش و چرم مولفه‌های تأیید شده عبارتند از:

- کارآمدی تصمیمات مالی
- کارآمدی سواد مالی
- کنترل و کاهش هزینه‌ها
- راهبردهای موثر
- پیامدهای مدیریت هزینه

در تبیین نتایج می‌توان بیان داشت که موفقیت بخش صنعت بهشت به سطح سواد مالی بستگی دارد. سواد مالی به عنوان ظرفیت مدیران برای درک و تجزیه و تحلیل داده‌های مالی به منظور اتخاذ تصمیمات مالی تعریف می‌شود. سواد مالی را به عنوان توانایی ارزیابی ابزارهای مالی جدید و پیچیده و قضاوت آگاهانه در مورد انتخاب ابزارها و میزان استفاده که به نفع بلندمدت آنها باشد تعریف کرده است. سواد مالی دانش مفاهیم اساسی مالی و توانایی انجام محاسبات ساده است. اهمیت سواد مالی به دلیل شروع محصولات، خدمات مالی جدید، پیچیدگی بازارهای مالی و محیط اقتصادی به سرعت در حال تغییر اهمیت پیدا کرده است. با این حال، ادبیات موجود نشان می‌دهد که هیچ تعریف استاندارد مشخصی از سواد مالی وجود ندارد (مابولو و پینگ، ۲۰۱۸). یکی از متداول‌ترین عوامل موفقیت شرکت‌های کفش، مدیریت هزینه است، بهویژه در میان شرکت‌هایی که در کشورهای در حال توسعه فعالیت می‌کنند. مشکل مدیریت هزینه که شرکت‌ها در سرتاسر جهان با آن مواجه هستند به توانایی سواد مالی آنها که مدیریت شرکت را بر عهده دارند مربوط می‌شود (ریپاین و همکاران، ۲۰۱۷). فقدان سواد مالی بر توانایی شرکت برای دستیابی به اهداف بلندمدت مانند مدیریت پول روزانه، بازنیستگی و تأمین مالی تأثیر می‌گذارد. در اصطلاح فنی از این قابلیت‌های مدیریتی به عنوان سواد مالی یاد می‌شود. سواد مالی به تصمیم گیری آگاهانه در مدیریت هزینه کمک می‌کند و به رفاه مالی بهتر فرد کمک می‌کند.

مدیریت هزینه، به معنای پیش‌قدم بودن در کاهش هزینه است. به صورتی که کسب‌وکارها و رقبای دیگر نتوانند کالا یا خدمتی را به قیمتی پایین‌تر از ما تولید کنند. در هر بخش از کار خدماتی و یا تولید محصول، باید عملیات با کمترین هزینه، به عنوان یک ارزش و مبنای تصمیم‌گیری‌های یک سازمان مورد توجه قرار گیرد به طور کلی، شرکتی می‌تواند به سمت استراتژی کنترل هزینه حرکت کند که هم در هزینه‌های ثابت، و هم در هزینه‌های متغیر، حساسیت زیادی داشته باشد و بتواند از عهده‌ی کنترل این هزینه‌ها برآید. نقش مدیران مالی به عنوان پیشتازان در استراتژی رهبری و مدیریت هزینه‌ها، بسیار با اهمیت است. بسیاری از سازمان‌ها، تنها فروش و سود را معیار مناسبی برای سنجش موفقیت مالی در نظر می‌گیرند. باید بدین نکته توجه کرد که بسیاری از کسب‌وکارهای نوظهور، به خاطر کمبود نقدینگی با شکست مواجه می‌شوند نه به علت پایین بودن فروش و سود. مشکل برخی از شرکت‌هایی که با بحران مالی جدی مواجه می‌شوند، حجم فروش آنان و یا قیمت تمام‌شده نیست. بلکه مشکل آنها از آنجایی است که ناچارند بدھی‌ها و هزینه‌ها را سریعاً پرداخت نمایند و از طرف دیگر تأخیر مشتریان در پرداخت قیمت کالا و خدمات را تحمل کنند و بپذیرند.

نتایج دیگر تحقیق در راستای پیامدهای مربوط به الگوی تصمیمات مالی و سود مالی کارآمد برای بهبود مدیریت هزینه‌ها در صنعت کفش و چرم استان آذربایجان شرقی عبارتند از:

- افزایش فروش و سود شرکت
- افزایش قدرت رقابتی شرکت
- رونق صنعت کفش و چرم
- افزایش درآمدزایی
- افزایش تنوع با حفظ و ارتقای کیفیت

مزایای مدیریت هزینه و همچنین نحوه اثرگذاری مدیریت هزینه اجرایی بر اثربخشی سیستم‌های مدیریت هزینه پژوهش‌های نسبتاً مناسبی انجام شده اما در عین حال پژوهش‌های مرتبط با اثرگذاری مدیریت هزینه استراتژیک بر عملکرد مالی کافی به نظر نمی‌آید. به طور خاص، در ادبیات مدیریت هزینه اجرایی شواهد تجربی که بتواند بیانگر ارتباط بین سیستم‌های مدیریت هزینه و عملکرد مالی باشد، محدود و متناقض است. از جمله دلایل احتمالی این موضوع، عدم توجه پژوهش‌های قبلی به مدیریت هزینه ساختاری است. مدیریت هزینه ساختاری نه تنها می‌تواند به طور بالقوه بر عملکرد مالی تأثیرگذار باشد، بلکه می‌تواند به عنوان یک مداخله‌گر رابط بین مدیریت هزینه اجرایی و عملکرد مالی را نیز تحت تأثیر قرار دهد. در واقع، ابزارهای حسابداری مدیریت هزینه اجرایی و عملکرد هزینه مدیریت هزینه اجرایی ممکن است بتواند

دانش هزینه‌ای مناسبی را برای باز طراحی مجدد زنجیره ارزش ارائه نماید. از طرفی باز طراحی ساختارهای هزینه‌ای متفاوت (مدیریت هزینه ساختاری) نیز می‌تواند باعث بهبود عملکرد مالی شود.

پیشنهاد مهم بر اساس یافته‌ها این است که توسعه و اجرای برنامه‌های آموزشی مالی جدآگانه (عملی و نظری) برای افزایش سطح سواد مالی مورد توجه قرار گیرد. صنعت کفش در بخش تولید بهدلیل سرمایه‌گذاری زیاد ریسک بالای دارند، بنابراین باید آموزش‌های مکرر برای کارآفرینان بخش تولید در حوزه فعالیت آنها سازماندهی شود. از سوی دیگر پیشنهاد می‌شود مدیران و کارشناسان مالی شرکت‌ها با ارائه ابتكارات مالی که یکی از ابزارهای مهم مدیریت هزینه ساختاری بوده توجه کنند چون از این طریق می‌تواند به هماهنگی هرچه بیشتر بین منابع سازمان و ساختار هزینه مربوطه از طریق اتخاذ استراتژی‌های بلندمدت (مهندسی مجدد زنجیره ارزش و طراحی ساختارهای هزینه‌ای متفاوت) منجر شود. یکی دیگر از پیشنهادهای ضروری سیاستگذاری بر اساس نتایج مطالعه این است که درک بهتر سواد مالی عمومی و اختصاصی و عوامل تعیین کننده آن می‌تواند به بازیگرانی مانند سازمان‌های دولتی، مردمی و سایرین در سطح استان و کشور کمک کند تا سیاست‌ها را تدوین و اجرا کنند. بر اساس نتایج پیشنهاد می‌شود، سواد مالی از طریق مشوق‌های سازمانی و مالی مستمر و طراحی شده و هدفمند در بین کارکنان افزایش یابد زیرا قابلیت درک خدمات مالی و تأثیرات مثبت بر نگرش و اعتماد مردم بر تصمیم‌گیری‌های مالی ارتقا می‌بخشد لذا توصیه می‌شود در مطالعات آتی عوامل مؤثر بر مدیریت هزینه در صنعت کفش با استفاده از روش‌های سلسله مراتبی فازی مورد ارزیابی قرار گیرد. همچنین محققین می‌توانند میزان سواد مالی مدیران شرکت‌های فعال در صنعت کفش و چرم با استفاده از روش‌های داده کاوی بررسی کنند. این تحقیق محدود به عوامل مدنظر (تصمیمات مالی و سواد مالی) به کار گرفته شده در این تحقیق بود و چه بسا سایر عوامل تأثیرات متفاوتی بر مدیریت هزینه در شرایط مختلف همچون بحران اقتصادی داشته باشد.

منابع

۱. اسلامی مفید آبادی حسین، رهنمای رودپشتی فریدون، وکیلی فرد حمیدرضا، نیکومرام هاشم و طبیبی سید جمال الدین. (۱۳۹۸). طراحی الگوی آمیخته تصمیمات مالی در راستای توسعه‌ی بازارهای مالی ایران (مورد مطالعه: بازار سرمایه ایران). *فصلنامه دانش مالی تحلیل اوراق بهادار*, ۱۲(۴۳)، ۱-۳۹.
۲. جهانگیر وند عبدالحمید، شورورزی محمد رضا، نوری توپکانلو زهراء (۱۴۰۰). ارائه الگویی جهت تبیین نقش معافیت مالیاتی و تصمیمات تأمین مالی و سرمایه‌گذاری بر عملکرد شرکت‌های سرمایه‌گذار در منطقه ویژه اقتصادی امیرآباد، *نشریه اقتصاد و بانکداری اسلامی*, ۱۰(۳۶)، ۳۵۳-۳۸۱.
۳. رهنمای رودپشتی، فریدون (۱۳۹۵). هزینه یابی هدف (مبتنی بر ارزش‌آفرینی): *مفاهیم، فرآیندها، تکنیک‌ها، ابزارهای پیاده سازی و اجراء*. تهران: نشر ترمه.
۴. طوطیان اصفهانی صدیقه، اسلامی مفید آبادی حسین، برخورداری الهه (۱۴۰۰). بررسی رابطه بین راهبردهای خود کنترلی، سعادت مالی مدیران و کیفیت تصمیم‌گیری در مسائل مالی فرایند زنجیره تأمین (مورد مطالعه: شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران). *فصلنامه مدیریت عملیات*, ۱(۱)، ۹۱-۱۳۱.
۵. کمالی بهنام. (۱۳۹۷). مدیریت هزینه و ریسک پروره، تهران: نشر پندار پاس.
۶. مؤمنی سمیه، ذبیحی علی، فغانی ماکرانی خسرو (۱۴۰۰)، نقش سعادت مالی در تأثیر تحمل ریسک مالی بر تصمیم‌گیری های سرمایه‌گذاری فردی، *نشریه اقتصاد و بانکداری اسلامی*, ۱۰(۳۶)، ۴۵۵-۴۷۱.
۷. یعقوب نژاد احمد. نیکو مردم هاشم. معین الدین محمود. (۱۳۹۰). ارائه الگویی جهت سنجش سعادت مالی دانشجویان ایرانی با استفاده از روش دلفی فازی، *مجله مهندسی مالی و مدیریت اوراق بهادار*, ۸(۲)، ۴۶-۱.
8. Callis, Z., Gerrans, P., Walker, D.L. and Gignac, G.E., 2023. The association between intelligence and financial literacy: A conceptual and meta-analytic review. *Intelligence*, 100, p.101781.
9. Cao, M.M., Nguyen, N.T., & Tran, T.T. (2021). Behavioral factors on individual investors' decision making and investment performance: A survey

- from the Vietnam Stock Market. *The Journal of Asian Finance, Economics and Business*, 8(3), 845-853.
10. Christelis, Dimitris, Tullio Jappelli, And Mario Padula. (2019). Cognitive Abilities and Portfolio Choice. *European Economic Review* 54, Pp. 18-38.
 11. Deb, Sujit and Singh, Ranjit. (2016). Impact of Risk Perception On Investors Towards Their Investment in Mutual Fund. *Pacific Business Review International* Volume 1, Issue 2, July 2016. Pp 16- 23.
 12. Fonseca, R., Mullen, K. J., Zamaarro, G., Zissimopoulos, J. (2012). What explains the gender gap in financial literacy? The role of household decision making. *J. Consumer Affairs* 46 (1), 90–106.
 13. Gignac, G.E. and Stevens, E.M., 2024. Attitude toward numbers: A better predictor of financial literacy and intelligence than need for cognition. *Intelligence*, 103, p.101808.
 14. Lin, C.A. and Bates, T.C., 2022. Smart people know how the economy works: Cognitive ability, economic knowledge and financial literacy. *Intelligence*, 93, p.101667.
 15. Mabula, J.B. and Han, D.P., 2018. Financial literacy of SME managers' on access to finance and performance: The mediating role of financial service utilization. *International Journal of Advanced Computer Science and Applications*, 9(9).
 16. Markey, K. Tilki, M.&Taylor, G.(2020).Practicalities in doctorate research of using Ground Theory Methodology in understanding nurse behaviours when caring for culturally diverse patients,Nurse Education in Practice,44.
 17. Okereke RA, Mohammed Z, Emmanuel E. 2022. The role of construction cost management practices on construction organisations' strategic performance. *JPMP*. 2(1):20–39.
 18. Otero, I., Salgado, J.F. and Moscoso, S., 2022. Cognitive reflection, cognitive intelligence, and cognitive abilities: A meta-analysis. *Intelligence*, 90, p.101614.
 19. Ripain, N., Amirul, S.M. and Mail, R., 2017. Financial literacy and SMEs' potential entrepreneurs: The case of Malaysia. *Journal of Administrative and Business Studies*, 3(2), pp.60-68.
 20. Sattar, M. A., Toseef, M., & Sattar, M. F. (2020). Behavioral finance biases in investment decision making. *International Journal of Accounting, Finance and Risk Management*, 5(2), 69-79.
 21. Sun, X.(2011).Ground Theory:Theory-development in in-depth interview research.j.Xianjiaot.Univ.31(6),87-92.
 22. Tembo, C.K., Muleya, F. and Kanyemba, A., 2024. An appraisal of cost management techniques used in the construction industry. *International Journal of Construction Management*, 24(1), pp.10-18.

-
- 23. VanRooij, M. and Lusardi , A.(2011) Financial literacy and stock market participation”, Journal of Financial Economics, No.101, pp.449–47.
 - 24. Zhang, j. Ma, D.(2009).Application of Ground Theory Method in Management, pp.115-117,2.

